

## تیپ‌شناسی تطبیقی بزهدیدگی زنان افغانی و ایرانی ساکن مشهد

عبدالرضا جوان جعفری بجنوردی<sup>۱\*</sup>، سید مهدی سیدزاده ثانی<sup>۲</sup>، محدثه مالدار محمدحسن‌زاده  
مشهدی<sup>۳</sup>

### چکیده

بزهدیدگی زنان، به‌منزله معضلی اجتماعی، امروزه بسیار شیوع دارد؛ حال آنکه در این بین زنانی هستند که علاوه بر آسیب‌پذیری بالقوه، به‌دلیل مهاجر بودن و در اقلیت بودن نیز بیشتر بزهدیده می‌شوند. هدف اصلی این پژوهش شناسایی انواع بزهدیدگی زنان مهاجر افغان و ایرانی در فضای شهری مشهد و بررسی عوامل اثرگذار بر بزهدیدگی آن‌هاست. این پژوهش به شیوه پیمایش صورت گرفته است و محققان برای بررسی تأثیر مهاجرت بر میزان بزهدیدگی زنان، جامعه آماری این پژوهش را زنان مهاجر افغان ساکن مشهد قرار داده‌اند و برای بررسی و مقایسه وضعیت زنان مهاجر با زنان ایرانی ساکن مشهد در شرایط یکسان، از ۱۱۲ زن ایرانی در مشهد نیز به‌منزله گروه کنترل استفاده کرده‌اند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه استفاده شده است. پرسش‌نامه‌ها را زنان مهاجر افغان و زنان ایرانی مناطق ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۱ مشهد تکمیل کرده‌اند. یافته‌های حاصل از این پژوهش بیانگر آن است که میان ویژگی‌های فردی، محیطی و اقتصادی و میزان بزهدیدگی زنان مورد پژوهش رابطه معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد. شایان ذکر است که مشخص شد میان سن، تحصیلات و حجاب با میزان بزهدیدگی زنان در برخی از جرایم علیه اشخاص نظیر تعرض‌ها، تجاوز جنسی، ربایش، هجوم و ضرب‌وشتم ارتباط معکوس وجود دارد، زیرا از میان افراد پژوهش‌شده، زنان جوان، کم‌حجاب، بی‌سواد یا ناآگاه موارد بیشتری از بزهدیدگی را در جرایم علیه اشخاص نسبت به دیگران اعلام کردند. همچنین، زنانی که به نوعی نابسامانی در خانواده داشتند، بزهدیدگی بیشتری را، چه درون خانواده و چه خارج از خانواده، تجربه کرده بودند. اشتغال زنان در مشاغل کاذب، در کارگاه‌های دور از شهر، در محیط‌های ناشناخته و غیررسمی و فاقد نظارت و حتی کار شبانه آن‌ها، خود فی‌نفسه به‌منزله عاملی خطرزا بود و زنان را به ورطه قربانی شدن می‌کشاند. در نهایت امر نیز، مشخص شد که میان منطقه محل سکونت زنان با میزان بزهدیدگی آن‌ها در همه جرایم ارتباط وجود دارد.

### کلیدواژگان

بزهدیدگی، تیپ‌شناسی، زنان افغان، مشهد، مهاجرت.

۱. دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد javan-j@um.ac.ir
۲. استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد seyzedzadeh@yahoo.com
۳. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد Maldar13699@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۲۷

## مقدمه

امروزه، زنان از گروه‌های خاصی هستند که به دلیل آسیب‌پذیری، بیشتر از دیگران در معرض آسیب‌های ارتکاب جرایم‌اند و برای مجرمان، بزه‌دیدگانی بالقوه محسوب می‌شوند. قربانی شدن زنان، از گذشته تا حال، مسئله نگران‌کننده و حائز اهمیت فراوان بوده است و از مهم‌ترین معضلاتی است که نیازمند بررسی است، زیرا این آسیب اجتماعی در جوامع مختلف با گستره وسیعی در حال رشد است که علاوه بر آسیب جسمانی، آثار مخرب و ویرانگر روانی و اجتماعی فراوانی را نیز برجای می‌گذارد؛ حال آنکه آثار جسمی بزه‌دیدگی زنان به هیچ‌وجه با تأثیرات مخرب و کشنده‌ای که به روح زنان باقی می‌گذارد و حقارت و پریشانی و... را که بر روان او تحمیل می‌کند قابل مقایسه نیست. در این میان، زنانی هستند که علاوه بر این آسیب‌پذیری بالقوه به دلیل جنسیت خود و مهاجر بودن نیز بیشتر در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. این واقعیت که فردی خارجی است برخی افراد را وسوسه می‌کند تا مرتکب جرایمی علیه آن‌ها شوند و اینجاست که مهاجران آماج مناسبی به‌شمار می‌آیند که هم دسترس‌پذیرند و اغلب نیز هیچ‌گونه مراقبی ندارند.

مهاجرت در کنار سایر عوامل، احتمال قربانی شدن زنان را بیشتر می‌کند، زیرا در این بین دلایلی از جمله شرایط نامساعد محل سکونت، اوضاع خانوادگی نابسامان نظیر بی‌سرپرستی یا بدسرپرستی یا فوت همسر به آسیب‌پذیری بیشتر زنان دامن می‌زند؛ حتی در مواردی می‌تواند برای زنان مهاجر شیوع پدیده‌هایی نظیر تکدی‌گری، تن‌فروشی، خشونت جنسی و... را در پی داشته باشد. وضعیت زنان مهاجر افغان در مشهد نیز به همین نحو است. افغان‌ها از میان علل مختلف مهاجرت، در عمل بیشتر به دلیل گروه زنان است که به مهاجرت اقدام کرده‌اند. به عبارت دیگر، افغانه یا برای حفاظت از پایداری جامعه مردسالار و جلوگیری از ورود زنان به اماکن عمومی، یا جلوگیری از قتل‌های وحشیانه زنان و کودکان یا فراهم آوردن امکانات بیشتر برای آن‌ها وادار به مهاجرت شده‌اند [۱۵]. شایان ذکر است با اینکه بیشتر از ۳۰ سال است که مهاجران افغان در مشهد سکونت دارند و تا حدودی با جامعه مقصد خو گرفته‌اند، همچنان با مشکلات عدیده اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند که این خود از لحاظ کیفی بستر ساز بزه‌دیدگی زنان می‌شود.

در نهایت امر، محققان بر آن شدند تا موضوع بزه‌دیدگی زنان را به‌منزله معضلی اجتماعی و نیازمند بررسی به‌عنوان کار پژوهشی خود برگزینند و به‌صورت تطبیقی بزه‌دیدگی زنان مهاجر افغان به‌عنوان گروه آزمایش و زنان ایرانی ساکن در مشهد را به‌عنوان گروه کنترل بررسی کنند. محققان برای گردآوری اطلاعات از شیوه پیمایشی استفاده کردند تا با خودگزارشی آن‌ها، سیمای جنایی و آمار سیاه موجود به‌وضوح مشخص شود و اطلاعات راجع به رویدادهای کیفی را که در گزارش‌های پلیسی وجود ندارد فراهم آورند. سؤالاتی که محققان در این پژوهش

به‌دنبال یافتن پاسخی مناسب برای آن‌ها هستند به دو گروه سؤال اصلی و فرعی تقسیم می‌شود. شایان ذکر است این پرسش که زنان افغانی و ایرانی ساکن شهر مشهد بزه‌دیده چه جرایمی هستند؟ ذهن محققان را به خود مشغول داشت که به‌منزله سؤال اصلی در این پژوهش بررسی می‌شود. همچنین، سؤالاتی از قبیل اینکه آیا الگوی بزه‌دیدگی زنان افغانی ساکن در مشهد، در شرایط یکسان، متفاوت از الگوی بزه‌دیدگی زنان ایرانی است؟ آیا وضعیت فردی زنان مورد پژوهش نظیر سن، پوشش، تحصیلات در میزان قربانی‌شدن آن‌ها تأثیرگذار است؟ آیا میزان بزه‌دیدگی زنان افغانی و ایرانی مورد پژوهش که در مناطق حاشیه‌ای شهر مشهد سکونت دارند بیشتر از میزان بزه‌دیدگی زنانی است که در سایر مناطق ساکن‌اند؟ آیا میان وضعیت اقتصادی زنان افغانی و ایرانی و میزان بزه‌دیدگی آن‌ها ارتباطی وجود دارد؟ آیا نابسامانی خانواده در افزایش میزان بزه‌دیدگی زنان در هر دو گروه تأثیرگذار است؟ نیز در مرتبه بعدی و در گروه سؤالات فرعی قرار می‌گیرد.

هدف اصلی مقاله حاضر، شناسایی انواع قربانی‌شدن زنان در فضای شهری مشهد و بیشترین درصد جرایمی است که علیه آن‌ها واقع می‌شود. همچنین، بررسی عوامل فردی، اقتصادی و خانوادگی اثرگذار بر بزه‌دیدگی زنان مورد پژوهش، ارائه راهکارهایی در راستای حمایت از زنان بزه‌دیده و درنهایت تسهیل برنامه‌ریزی‌های حمایتی در راستای پیشگیری از قربانی‌شدن آن‌ها در شهر مشهد از اهداف پیش روی این پژوهش است.

### پیشینه پژوهش

در حوزه ادبیات تجربی و پیشینه پژوهش، تاکنون انگیزه‌های بسیاری سبب شده که محققان در ارتباط با بحث مهاجرت و بزه‌دیدگی پژوهش‌هایی را انجام دهند و بر این اساس نیز هریک به سهم خود یکی از ابعاد موضوع را به‌صورت محدود، مورد تحقیق قرار داده‌اند. ولی متأسفانه در پیشینه پژوهشی داخلی آن‌طور که باید در ارتباط با بزه‌دیدگی زنان و مهاجرت آن‌ها کاری درخور انجام نشده است و همچنین بحث بزه‌دیدگی زنان مهاجر کم‌وبیش مورد غفلت محققان قرار گرفته است. شایان ذکر است که بحث تبیین مفهوم بزه‌دیده و ذکر گونه‌های خاص بزه‌دیدگان [۳]، بحث آسیب‌شناسی شخصیت زن و بررسی نقش مؤثر عفاف، حجاب و نوع پوشش زنان در پیش‌گیری از بزه‌دیدگی آنان و بررسی تأثیر خودنمایی زنان در تضعیف و سقوط عفت و اخلاق افراد جامعه [۱۴]، بیان انواع و ویژگی‌های خشونت علیه زنان در ایران [۱۳] و بزه‌دیدگی زنان افغان در کشور افغانستان و انواع و علل مؤثر در آن [۲۱] چندی از کارهای تحقیقاتی است که تا حدودی با یکی از محورهای مورد بحث موضوع پژوهش حاضر مرتبط است.

## ملاحظات نظری

در نهایت، شایان ذکر است که از میان تئوری‌های مرتبط با بحث بزه‌دیدگی زنان، تئوری آسیب‌پذیری به بررسی بزه‌دیدگی با متغیر جنسیت می‌پردازد. در این نظریه، آسیب‌پذیری جنسی که دربرگیرنده میزان آسیب‌پذیری فیزیولوژی و اجتماعی زنان نسبت به مردان است به‌منزله زمینۀ مناسب بزه‌دیدگی شناخته شده است. مطابق با این تئوری، زنان براساس عنصر ضعف، پس از کودکان، در رتبه دوم قرار دارند. این اعتقاد وجود دارد که آن‌ها در فرایند جامعه‌پذیری به‌گونه‌ای طبقه‌بندی شده‌اند که به جرم آسیب‌پذیری بیشتری دارند، که همان ترس از جرم آن‌ها و عدم توانایی در مقابله با آن و دفاع از خود به این مسئله بیشتر دامن می‌زند [۹، ص ۳۸].

در میان دیگر نظریه‌های بزه‌دیدگی، نظریه شیوه زندگی، از سوی فردسن، هیندلنگ و گاروفالو<sup>۱</sup> (۱۹۷۸) توسعه یافت. در این تئوری، بزه‌دیدگی متناسب با شیوه و سبک زندگی افراد و عملکرد آنان متغیر است. نوع زندگی افراد نقشی کلیدی در آسیب‌پذیری آن‌ها دارد، زیرا اشخاصی که شیوه زندگی قاعده‌مندی نداشته باشند و عملکرد آن‌ها از چارچوب موجود در جامعه فراتر رود، بزه‌دیدگی‌شان محتمل‌تر می‌شود. در این تئوری، اعتقاد بر این است که گاهی افراد با انتخاب فعالیت‌هایی در زمان و مکان خاص و خطرناک یا رفت‌وآمد با اشخاص بزه‌کار و در محیط‌های مجرمانه احتمال بزه‌دیدگی خود را افزایش می‌دهند. بنابر نظریه فعالیت روزمره، که بیشتر به لاری کوهن و مارکوس فلسون<sup>۲</sup> (۱۹۷۹) مرتبط است، متغیرهایی که فرصت برخورداری از مزایای زندگی را افزایش می‌دهند، به همان نسبت فرصت‌های وقوع خشونت و تعدی را هم افزون می‌کنند. در این نظریه، فعالیت‌های اجتماعی و روزمره احتمال وقوع جرم را به همراه دارد، زیرا سبب می‌شود مجرمان و قربانیان بیشتر باهم مرتبط شوند و نوعی همگرایی میان مجرمان با انگیزه و آماج مناسب با ایمنی کم ایجاد شود [۲۰]. همچنین، در این تئوری، اعتقاد بر این است که جرم ارتکاب‌یافته و بزه‌دیدگی با خصوصیات زندگی انسان در ارتباط است. بر این اساس، نوع فعالیت‌های افراد مانند کار زنان در جامعه و رفت‌وآمدهای نامناسب، سکونت در حومه شهر و... آن‌ها را بیشتر با مجرمان مواجه کرده و سبب می‌شود به اهدافی مناسب برای سرقت، قتل، تجاوز و... تبدیل شوند.

برخی از نظریه‌پردازان در وقوع جرم، به جایگاه قربانی و ویژگی‌ها و شرایطی که وی در بزه‌دیدگی خویش به‌وجود می‌آورد توجه می‌کنند. بر این اساس، در تئوری دیگری به‌نام نقش بزه‌دیده، این اعتقاد وجود دارد که گاهی افراد با گفتار یا رفتار تحریک‌آمیز خود قصد ارتکاب جرم را در بزه‌کار ایجاد می‌کنند. مطابق این تئوری، این گروه از افراد، بزه‌دیدگان گناهکار

1. Ferdsen, hending and garoo fallo

2. Lary cohen, marcus felson

نامیده می‌شوند، زیرا ویژگی‌های آن‌ها نظیر هم‌جواری با دیگران یا جاذب‌بودن به دلیل ظاهر و نوع پوششی که انتخاب کرده‌اند و همچنین لحن سخن گفتنشان عاملی است که آن‌ها را به اهداف سهل‌الوصول تبدیل می‌کند که این خود، مجرم را به ارتکاب جرم علیه آن‌ها تشویق می‌کند و سبب افزایش بزه‌دیدگی افراد می‌شود [۱۹، ص ۴۸].

در ارتباط با پدیده مهاجرت نیز، راونشتاین<sup>۱</sup> از نخستین اندیشمندان است که به مسئله مهاجرت از دید علمی نگریسته است. وی در نظریه جاذبه و دافعه خود به دو دسته عوامل دافعه انسان‌ها از محل اسکان خود (مبدأ) نظیر فقدان امکانات رفاهی، آموزشی، بهداشتی، تحصیلی و عوامل جاذبه انسان‌ها به مقصد اشاره دارد. این نظریه عوامل مختلفی را تحت پوشش قرار داده است و اعتقاد بر این است که قوانین ظالمانه، مالیات‌های سنگین، عدم جاذبه‌های اقلیمی و اجبار و... در بروز مهاجرت مؤثرند، ولی هیچ‌یک بیشتر از ملاحظات اقتصادی مدنظر نیستند [۱۰، ص ۹۴]. همچنین، طرفداران تئوری تغییر ساختی معتقدند که علت مهاجرت یک‌سری عوامل تغییردهنده و دگرگون‌کننده همانند تغییر شیوه تولید در منطقه است؛ یعنی تحولات سریعی که در جامعه به وجود می‌آید سبب می‌شود که جامعه شرایط فعلی و بخش اقتصاد معیشتی خود را از دست بدهد و سرعت تحرک مکانی جمعیت بیشتر شود [۱۱، ص ۳۲].

## روش پژوهش

نیازمندی‌های حقوق در زمینه عدالت کیفری تنها نمی‌تواند به وسیله پژوهش‌های نظری و کتابخانه‌ای برآورده شود، زیرا بخش درخور توجهی از رویدادهای جنایی، به خصوص جرایم علیه زنان، به پلیس گزارش نمی‌شود. بر این اساس، اطلاعات مرتبط با جرایم واقع‌شده در جامعه و سطح امنیت افراد، از منابع نظری به دست نمی‌آید. شایان ذکر است که این چالش و محدودیت، محققان را ناخودآگاه به سوی به‌کارگیری تحقیق پیمایشی برای موضوع تیپ‌شناسی تطبیقی بزه‌دیدگی زنان افغانی و ایرانی ساکن در مشهد سوق داد. این پژوهش نیز به این دلیل که در آن از شیوه پرسش‌نامه برای گردآوری اطلاعات استفاده شده و قرار است همبستگی بین چند عامل سنجیده شود، به صورت پیمایشی- همبستگی است. در نتیجه امر، پرسش‌نامه مورد نیاز طراحی و پس از تعیین روایی صوری و محتوایی و پایایی آن برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. این پرسش‌نامه متشکل از ۲۰ سؤال مرتبط با موضوع پژوهش است که هر یک از سؤالات نیز، به تناسب ضرورت پژوهش، چند زیرمجموعه دارد. شایان ذکر است که روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه با مراجعه به استادان متخصص تأمین شده است. همچنین، برای محاسبه پایایی پرسش‌نامه این کار پژوهشی از روش محاسبه آلفای کرونباخ<sup>۲</sup>، که دقت بیشتری از سایر

1. Raveneshtine  
2. Cronbakh's alpha

روش‌ها دارد، استفاده شده است. در نهایت، مقدار پایایی ۰/۷۸۷ به دست آمد که بیانگر پایایی بسیار خوب و قابل قبول پرسش‌نامه است.

$$\alpha = \frac{k}{k-1} \left[ 1 - \frac{\sum_{i=1}^k S_i^2}{\sigma^2} \right]$$

محققان برای تحلیل بیشتر محتوا از روش کتابخانه‌ای نیز بهره برده‌اند که در این زمینه به بررسی کتب، پایان‌نامه‌ها و مقالات معتبر حقوقی و جمع‌آوری اطلاعات از سایت‌ها و آمارهای موجود پرداخته‌اند. علاوه بر این، از آنجا که آن‌ها به بررسی وجود و نبود رابطه میان برخی علل پرداخته‌اند، کار پیش رو را به یک تحقیق همبستگی نیز تبدیل کرده است. جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش زنان مهاجر افغان‌اند که به طرق قانونی یا حتی غیرقانونی به ایران مهاجرت کرده‌اند و در مناطقی از مشهد سکونت دارند. همچنین، محققان از تعدادی از زنان ایرانی ساکن مشهد نیز به‌عنوان گروه کنترل استفاده کردند. محدوده و قلمروی مکانی این پژوهش شهر مشهد است و پژوهش‌گران پرسش‌نامه خود را در میان هر دو گروه از زنان در مناطق ۲، ۳، ۴، ۵، ۹ و ۱۱ توزیع و داده‌های تحقیق خود را از میان زنان ساکن در این مناطق گردآوری کردند.

حجم نمونه از طریق فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد و دقت ۰/۰۹ برای زنان مهاجر افغان به‌عنوان گروه آزمایش و زنان ایرانی ساکن در مشهد به‌عنوان گروه کنترل ۱۱۲ نفر به دست آمد. محققان برای تعیین نمونه از زنان گروه آزمایش، از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی بهره برده‌اند و در شرایط یکسان، به‌صورت تصادفی، از همان تعداد زنان ایرانی به‌عنوان گروه کنترل استفاده کرده‌اند. شایان ذکر است روش نمونه‌گیری احتمالی برای زمانی استفاده می‌شود که چارچوب آماری ما مشخص باشد تا بتوان از لیست موجود، افرادی را به‌صورت تصادفی به‌عنوان نمونه انتخاب کرد. حال آنکه در ارتباط با زنان مهاجر افغان ما با ورود و اقامت غیرقانونی آن‌ها نیز مواجهیم که همین امر سبب شده فهرست مشخص و آمار دقیقی از آن‌ها در هیچ اداره‌ای وجود نداشته باشد. در نتیجه، چارچوب آماری مشخصی در این مورد نمی‌توان ارائه داد تا برای تعیین نمونه در این باره از روش نمونه‌گیری احتمالی استفاده کنیم. بر این اساس، محققان از میان روش‌های نمونه‌گیری غیراحتمالی از نوع نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده کرده‌اند، زیرا این روش در مورد مهاجران غیرقانونی که به دلیل شرایط خاص امکان دسترسی مستقیم به آن‌ها وجود ندارد به ما کمک می‌کند تا با بررسی نخستین نمونه‌ها، به سوی نمونه‌ها و اطلاعات بیشتر رهنمون شویم. در این روش، پرسش‌نامه را در اختیار یک یا چند نفر از اعضای این گروه قرار دادیم و از آن‌ها خواستیم اگر اشخاص دیگری را می‌شناسند، که ویژگی‌های مورد نظر ما را دارند،

معرفی کنند. بدین ترتیب، حجم نمونه ما همانند گلوله برفی که در سرآشویی تپه حرکت می‌کند بزرگ‌تر می‌شود. در نهایت امر، محققان به وسیله استفاده از آزمون t-test تک‌نمونه‌ای و همبستگی پیرسون<sup>۱</sup> به بررسی میزان تأثیر هریک از متغیرهای مستقل نظیر سن، سطح تحصیلات، مجرد و متأهل بودن، مهاجر بودن، محیط، وضعیت اقتصادی، خانواده و... در میزان بزه‌دیدگی زنان مهاجر افغان در مشهد، به‌عنوان متغیر وابسته، پرداختند و رابطه معناداری هریک از متغیرهای مستقل را در متغیر وابسته تبیین کردند.

## یافته‌های تحقیق

### یافته‌های توصیفی

در ابتدای امر و پیش از ارائه یافته‌های توصیفی، شایان ذکر است که پراکندگی زنان بررسی‌شده این پژوهش، در مناطق شهر مشهد بدین صورت است: ۷۶ زن افغان و ۷۵ زن ایرانی در منطقه ۵ (گلشهر)، ۸ زن افغان و ۶ زن ایرانی در منطقه ۴ (طلاب)، ۴ زن افغان و ۵ زن ایرانی در منطقه ۳ (گاز)، ۸ زن افغان و ۱۲ زن ایرانی در منطقه ۲ (عبادی)، ۵ زن افغان و ۴ زن ایرانی در منطقه ۱۱ (معلم) و ۱۱ زن افغان و ۱۰ زن ایرانی در منطقه ۹ (هاشمیه) مشهد سکونت دارند.

جدول ۱. وضعیت فردی زنان مهاجر افغان و زنان ایرانی ساکن مشهد

سن	درصد فراوانی		تحصیلات	درصد فراوانی		پوشش	درصد فراوانی	
	تعداد	درصد		تعداد	درصد		تعداد	درصد
کمتر از ۲۰	۳۲/۱	۲۲/۳	بی‌سواد	۲۰/۵	۰/۹	بی‌حجاب	۱۰/۷	۷/۲
بین ۲۰-۳۰	۳۶/۶	۴۵/۵	ابتدایی	۱۱/۶	۸/۹	کم‌حجاب	۲۷/۷	۲۲/۵
بین ۳۰-۴۰	۲۰/۵	۲۱/۴	سیکل	۲۸/۶	۱۸/۸	باحجاب	۶۱/۶	۷۰/۳
بیشتر از ۴۰	۱۰/۸	۱۰/۸	دیپلم	۳۸/۵	۴۸/۳			
			دانشگاهی	۸/۹	۲۳/۱			

جدول ۲. وضعیت محیطی زنان مهاجر افغان و زنان ایرانی ساکن مشهد

وضعیت والدین	فراوانی		وضعیت اشتغال	فراوانی		وضعیت اقتصادی	درصد فراوانی	
	ن. کل	٪		ن. کل	٪		ن. کل	٪
حضور هردو والدین	۷۴٫۵	۶۰٫۹	خانه‌دار	۴۰٫۵	۴۱٫۱	فاقد درآمد	۱۵٫۵	۶٫۵
فقدان یکی از والدین	۱۸٫۲	۱۷٫۳	شاغل	۲٫۱	۲٫۳	کمتر از ۵۰۰ هزار تومان	۳۹٫۱	۲۳٫۴
فقدان هردو والدین	۸٫۲	۱۳٫۶	محصل	۲۶٫۱	۲۵	۵۰۰ هزار تومان تا ۱ میلیون تومان	۳۶٫۴	۴۵٫۸
والدین جدا شده از هم	۲٫۷	۸٫۲	بی‌کار	۲٫۷	۵٫۴	۱ تا ۲ میلیون تومان	۶٫۴	۱۶٫۸
			جویای کار	۴٫۵	۵٫۴	بیش از ۲ میلیون تومان	۲٫۷	۷٫۵

براساس یافته‌های حاصل از این پژوهش، در ارتباط با بزه‌دیدگی زنان در گروه جرایم علیه اشخاص، جرم مزاحمت خیابانی برای بانوان با میزان ۵۷٫۱ درصد علیه زنان مهاجر افغان در گروه آزمایش و ۴۳٫۷ درصد علیه زنان گروه کنترل و فحاشی و توهین با میزان ۲۸٫۶ درصد علیه زنان افغان و ۴٫۵ درصد علیه زنان گروه کنترل پربسامدترین موارد بزه‌دیدگی آن‌ها محسوب می‌شود. همچنین، انواع تعرض‌های جنسی با میزان ۱۷٫۹ درصد علیه زنان افغان و ۱۱٫۶ درصد علیه زنان گروه کنترل و آزارهای جسمی و روانی همسر با ۱۶٫۷ درصد علیه زنان افغان و ۱۱٫۸ درصد علیه زنان گروه کنترل در مراتب بعدی شیوع و فراوانی قرار دارند.

همچنین، مشخص شد به ترتیب ضرب‌وشتم از سوی بیگانگان با ۱۳٫۸ درصد علیه زنان افغان و ۴٫۵ درصد علیه زنان گروه کنترل، بزه‌دیدگی آن‌ها در تغییر مسیر و ربایش با ۶٫۲ درصد علیه زنان افغان و ۵٫۴ درصد علیه زنان گروه کنترل، استفاده از زنان در مشاغل غیرقانونی نظیر فروش مواد مخدر و تکدی‌گری با ۴٫۵ درصد علیه زنان افغان و ۲٫۸ درصد علیه زنان ایرانی و تجاوز جنسی با میزان ۱٫۸ درصد علیه زنان افغان و ۰٫۹ درصد علیه زنان ایرانی از لحاظ شدت و فراوانی در مرتبه پایین‌تری قرار گرفته‌اند.

همچنین، از لحاظ جرایم علیه اموال نیز به ترتیب سرقت از منزل با میزان ۸٫۱ درصد علیه زنان افغان و ۸ درصد علیه زنان گروه کنترل، کیف‌قاپی با میزان ۸ درصد علیه زنان افغان و ۱٫۸ درصد علیه زنان گروه کنترل، عدم انفاق با میزان ۶٫۳ درصد برای زنان افغان و ۲٫۷ درصد برای زنان گروه کنترل از موارد پربسامد بزه‌دیدگی آن‌هاست. همچنین، زورگیری با میزان ۵٫۵ درصد علیه زنان افغان و ۳٫۶ درصد علیه زنان گروه کنترل، سرقت وسایل نقلیه با میزان ۳٫۶ درصد علیه زنان افغان و



۵/۴ درصد علیه زنان گروه کنترل، جیب‌بری با میزان ۲/۷ درصد علیه زنان افغان و ۳/۶ درصد علیه زنان گروه کنترل از لحاظ شدت و فراوانی در مراتب بعدی قرار می‌گیرند. در نهایت امر، شایان ذکر است که در انواع مختلف بزه‌دیدگی زنان در گروه جرایم مالی، جرم کلاهبرداری با میزان ۰/۹ درصد علیه هر دو گروه آزمایش و کنترل موارد کمتری را به خود اختصاص داده است.

### یافته‌های استنباطی

پژوهش حاضر متشکل از ۲ فرضیه اصلی و ۵ فرضیه فرعی است که نتایج تحلیل و بررسی محققان بر این فرضیه‌ها در جدول‌های ۳ تا ۹ آمده است.

جدول ۳. بررسی بزه‌دیدگی زنان افغانی و ایرانی ساکن مشهد در جرایم علیه اشخاص

جرایم علیه اشخاص	میانگین M		آماره t		درجه آزادی		سطح معنی داری sig
	ایرانی	مهاجر افغانی	ایرانی	مهاجر افغانی	ایرانی	مهاجر افغانی	
مزاحمت خیابانی	۱٫۹۳	۱٫۵۴	-۱۰٫۹۳۱	-۲۲٫۲۴۷	۱۱۱	۱۱۱	۰٫۰۰۰
مورد دست‌درازی	۱٫۲۶	۱٫۱۳	-۲۹٫۴۳۷	-۵۰٫۴۷۶	۱۱۱	۱۱۱	۰٫۰۰۰
تجاوز جنسی	۱٫۰۲	۱٫۰۲	-۱۵۷٫۶۹	-۱۱۱	۱۱۱	۱۱۱	۰٫۰۰۰
کتک‌خوردن	۱٫۲۲	۱٫۰۵	-۲۹٫۳۹۶	-۷۸٫۳۱۹	۱۱۱	۱۱۱	۰٫۰۰۰
ربوده شدن	۱٫۰۶	۱٫۰۴	-۸۴٫۳۲۹	-۱۱۱٫۵۱۷	۱۱۱	۱۱۱	۰٫۰۰۰
فحاشی و توهین	۱٫۴۰	۱٫۰۵	-۲۲٫۱۱۷	-۷۸٫۳۱۹	۱۱۱	۱۱۱	۰٫۰۰۰
آزار جسمی و روانی همسر	۱٫۴۱	۱٫۲۱	-۱۶٫۷۸۲	-۲۸٫۵۵۲	۱۱۱	۱۱۱	۰٫۰۰۰
استفاده برای فروش و یا حمل مواد مخدر	۱٫۰۶	۱٫۰۴	-۴۳٫۵۸۹	-۶۰٫۹۹۴	۱۱۱	۱۱۱	۰٫۰۰۰
به‌کارگیری اجباری در مشاغل غیرقانونی	۱٫۰۹	۱٫۰۳	-۳۷٫۰۲۶	-۷۳٫۶۶۷	۱۱۱	۱۱۱	۰٫۰۰۰

برای بررسی این فرضیه از آزمون t-test تک‌نمونه‌ای استفاده شده است. آزمون فرضیه به صورت ذیل است:

$$H_0: \mu = 3$$

$$H_1: \mu \neq 3$$

H<sub>0</sub>: زنان مهاجر افغان و ایرانی در مشهد مورد هجوم انواع جرایم نیستند؛

H<sub>1</sub>: زنان مهاجر افغان و ایرانی در مشهد مورد هجوم انواع جرایم قرار می‌گیرند.

با توجه به جدول ۳، مشاهده می‌کنیم مقدار میانگین‌های مربوط به جرایم علیه اشخاص در دو گروه زنان ایرانی و زنان مهاجر افغان ساکن در مشهد مساوی با ۳ نیست و کوچک‌تر است. در نتیجه،  $H_0$  یا میو متضاد ۳ به دست آمده است که این به معنای اثبات  $H_1$  است. همچنین، سطح معناداری در همه جرایم علیه اشخاص مذکور ۰/۰۰۰ به دست آمده است که کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ است و این بیانگر آن است که فرضیه صفر رد و فرضیه محققان تأیید می‌شود. در نتیجه، با اطمینان ۹۵ درصد زنان مورد پژوهش آماج همه جرایم علیه اشخاص قرار می‌گیرند، زیرا مطابق با تئوری آسیب‌پذیری، مؤنث بودن میزان آسیب‌پذیری فیزیولوژی و اجتماعی زنان را افزایش می‌دهد و به همین دلیل زنان این پژوهش در هر دو گروه مورد هجوم انواع جرایم قرار گرفته‌اند.

جدول ۴. بررسی بزه‌دیدگی زنان مهاجر افغان و زنان ایرانی ساکن مشهد در جرایم علیه اموال

جرایم علیه اموال	میانگین M		آماره t		درجه آزادی		سطح معناداری sig	
	مهاجر افغانی	ایرانی	مهاجر افغانی	ایرانی	مهاجر افغانی	ایرانی	مهاجر افغانی	ایرانی
کیف‌قاپی	۱/۰۹	۱/۰۲	-۶۳/۹۲۴	-۱۵۷/۶۹۰	۱۱۱	۱۱۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
جیب‌بری	۱/۰۳	۱/۰۴	-۱۲۷/۶۱	-۱۱۱/۵۱۷	۱۱۱	۱۱۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
زورگیری	۱/۰۶	۱/۰۴	-۷۲/۴۹۳	-۱۱۰/۵۱۷	۱۱۱	۱۱۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
ندادن نفقه	۱/۱۴	۱/۰۷	-۳۳/۸۸۹	-۴۲/۶۴۳	۱۱۱	۱۱۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
سرقت از منزل	۱/۰۸	۱/۰۸	-۷۳/۷۳۲	-۷۴/۳۹۸	۱۱۱	۱۱۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
سرقت وسیله نقلیه	۱/۰۴	۱/۰۵	-۱۱۰/۵۳	-۹۱/۰۷۳	۱۱۱	۱۱۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
سرقت از وسایل اتومبیل	۱/۰۳	۱/۰۶	-۹۸/۲۹۸	-۷۳/۸۲۶	۱۱۱	۱۱۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
کلاهبرداری	۱/۰۱	۱/۰۱	-۲۲۱	-۲۲۳/۰۰۰	۱۱۱	۱۱۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

بر اساس نتایج به دست آمده در ارتباط با جرایم علیه اموال نیز، متناسب با توضیحاتی که در بند اول ارائه شده است، مقدار میانگین‌های بزه‌دیدگی زنان در هر دو گروه زنان ایرانی و افغانی کمتر از ۳ با مقدار سطح معناداری (۰/۰۰۰) است. بر این اساس، زنان مهاجر در همه جرایم علیه اموال نیز به میزان متفاوت قربانی‌اند. در نتیجه،  $H_0$  رد می‌شود و با اثبات  $H_1$  فرضیه اصلی اول در ارتباط با جرایم علیه اموال تأیید شده است.

بررسی رابطه میان ویژگی‌های فردی نظیر حجاب، سن، تحصیلات با میزان بزه‌دیدگی

جدول ۵. آزمون فرضیه در جرایم علیه اشخاص

سن	تحصیلات		حجاب		جرایم علیه اشخاص
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
۰٫۲۷۹**	۰٫۴۵۲**	۰٫۰۷۹	۰٫۰۹۸	۰٫۲۹۲*	۰٫۵۹۶**
۰٫۲۳۰*	۰٫۱۹۴*	-۰٫۱۲۲	۰٫۰۵۱	۰٫۴۳۰**	۰٫۵۲۱**
۰٫۱۰۹	۰٫۰۰۴	*-۰٫۱۹۶	-۰٫۰۹۹	*-۰٫۲۵۳	*-۰٫۲۰۰
۰٫۰۰۷	-۰٫۰۳۵	۰٫۱۰۲	-۰٫۰۱۹	۰٫۰۶۸	-۰٫۰۳۵
-۰٫۰۱۵	۰٫۱۶۵	۰٫۰۶۵	-۰٫۰۷۲	-۰٫۱۲	-۰٫۰۳
۰٫۱۲۱	*-۰٫۳۵۲	-۰٫۰۲۹	*-۰٫۲۴۷	۰٫۰۶۸	۰٫۱۳۹
*-۰٫۲۶۷	*-۰٫۲۳۲	*-۰٫۲۱۱	*-۰٫۲۹۰	۰٫۱	۰٫۰۶۹
۰٫۱۳۵	۰٫۱۴۹	*-۰٫۲۰۵	-۰٫۱۶	*-۰٫۳۵۳	۰٫۰۹۶
۰٫۱۰۹	۰٫۰۳۳	*-۰٫۱۹۶	*-۰٫۲۱۸	*-۰٫۲۵۳	۰٫۰۲۲

\* معناداری در سطح ۰٫۰۵ \*\* معناداری در سطح ۰٫۰۱

برای بررسی این فرضیه نیز از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. در جدول ۵، علامت منفی نشان‌دهنده وجود رابطه معکوس میان متغیرهاست. براساس نتایج به‌دست‌آمده میان ویژگی‌های فردی زنان نظیر سن، تحصیلات، پوشش و بزه‌دیدگی آن‌ها در برخی جرایم رابطه معکوسی و در برخی رابطه مستقیم وجود دارد. در نتیجه امر، این فرضیه نیز تأیید شد. شایان ذکر است که هرچه سطح پوشش زنان، سن و آگاهی آن‌ها در جامعه پایین‌تر باشد، بیشتر مورد تعرض، تجاوز جنسی، ربایش، هجوم و ضرب‌وشتم قرار می‌گیرند، زیرا عواملی نظیر بی‌حجابی یا حضور با آرایش در جامعه، جوان بودن و سایر ویژگی‌های بزه‌دیده سبب تقویت انگیزه بزهکار می‌شود و برای او جاذبه ایجاد می‌کند. نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش به کمک تئوری نقش بزه‌دیده در وقوع جرم تأیید می‌شود، زیرا مطابق با این نظریه، جاذب‌بودن قربانی به‌دلیل ظاهر و نوع پوشش عاملی است که او را هدفی سهل‌الوصول کرده است و مجرم را به ارتکاب جرم تشویق می‌کند و این خود سبب افزایش بزه‌دیدگی آن‌ها می‌شود.

جدول ۶. آزمون فرضیه در جرایم علیه اموال

سن	تحصیلات		حجاب		جرایم علیه اموال	
	مقطع ابتدایی	مقطع متوسط	مقطع ابتدایی	مقطع متوسط		
-۰/۰۱۴	۰/۰۰۸	۰/۱۱	۰/۰۰۱	۰/۰۸۱	-۰/۰۰۴	کیف قاپی
۰/۱۴۱	۰/۰۴۶	-۰/۱۲	-۰/۰۲۷	۰/۰۳۸	-۰/۱۲۳	جیب‌بری
۰/۱۵	۰/۱۶۲	۰/۰۰۳	-۰/۰۷۸	-۰/۰۰۴	-۰/۰۲۷	زورگیری
۰/۱۷	۰/۱۸۳	-۰/۰۴۵	-۰/۰۹۱	۰/۰۹۱	۰/۱۴۷	ندادن نفقه
-۰/۰۲۴	۰/۰۱۲	-۰/۰۶۳	-۰/۰۴۷	۰/۰۳۶	۰/۰۷۱	سرقت از منزل
۰/۱۴۱	۰/۰۰۱	۰/۰۱۷	۰/۰۰۱	۰/۰۱۱	۰/۰۰۱	سرقت وسیله نقلیه
-۰/۰۶۱	۰/۱۰۸	۰/۰۰۳	-۰/۰۰۲	۰/۰۷۵	۰/۰۰۳	سرقت از وسایل اتومبیل
-۰/۰۰۶	۰/۰۱۶	۰/۰۴۷	۰/۱۴۱	۰/۰۵۷	۰/۰۶۹	کلاهبرداری

براساس نتایج به دست آمده، میان حجاب زنان و برخی جرایم علیه اموال، رابطه معکوس و در برخی جرایم رابطه‌ای وجود ندارد. نتایج حاصل از ارزیابی این فرضیه نشان می‌دهد که هرچه زنان پوشش پایین‌تری داشته‌اند، جرایمی نظیر کیف‌قاپی، جیب‌بری، زورگیری بیشتری را تجربه کرده‌اند، زیرا مطابق با تئوری نقش بزه‌دیده در وقوع جرم، پوشش کمتر در میان زنان سبب می‌شود بزه‌کار برای جرایمی نظیر جیب‌بری یا کیف‌قاپی و... راغب‌تر شود. همچنین، هرچه سطح آگاهی پایین‌تری داشته‌اند، بیشتر قربانی جیب‌بری، زورگیری، سرقت از منزل، سرقت از وسایل اتومبیل و ندادن نفقه شده‌اند. شایان ذکر است که در ارتباط با سن زنان مهاجر افغان و میزان بزه‌دیدگی آن‌ها در جرایم علیه اموال نیز ارتباط معنادار قوی برقرار نیست.

جدول ۷. بررسی رابطه میان منطقه محل سکونت و میزان بزه‌دیدگی زنان

سطح منطقه		جرایم علیه اموال	سطح منطقه		جرایم علیه اشخاص
مقطع ابتدایی	مقطع متوسط		مقطع ابتدایی	مقطع متوسط	
-۰/۰۸۴	-۰/۱۲	کیف‌قاپی	۰/۰۲۹	*-۰/۲۳۰	مزاحمت خیابانی
-۰/۱۱۹	-۰/۰۶۸	جیب‌بری	۰/۰۰۷	-۰/۱۲۳	مورد دست‌درازی
-۰/۰۰۷	-۰/۰۶۲	زورگیری	-۰/۰۵۹	-۰/۰۴۱	تجاوز جنسی
۰/۰۰۶	-۰/۱۴	ندادن نفقه	-۰/۱۰۷	-۰/۱۱۱	کنتک خوردن
۰/۱۲۵	۰/۱۴	سرقت از منزل	-۰/۰۹۱	۰/۰۰۶	روده‌شدن
۰/۰۶۲	۰/۱۰۸	سرقت وسیله نقلیه	-۰/۰۶۷	-۰/۰۸۳	فحاشی و توهین
۰/۰۰۷	*۰/۱۹۵	سرقت از اتومبیل	۰/۰۵۱	-۰/۱۴۶	آزارهای جسمی و روانی همسر

ادامهٔ جدول ۷. بررسی رابطهٔ میان منطقهٔ محل سکونت و میزان بزه‌دیدگی زنان

سطح منطقه		جرایم علیه اموال	سطح منطقه		جرایم علیه اشخاص
ایرانی	افغانی		ایرانی	افغانی	
۰/۰۵۹	۰/۱۶۳	کلاهبرداری	۰/۰۸۲	۰/۰۷۹	استفاده برای فروش یا حمل مواد مخدر
-	-	-	۰/۰۵۹	۰/۰۹۸	به کارگیری اجباری در مشاغل غیرقانونی

\*معناداری در سطح ۰/۰۵ \*معناداری در سطح ۰/۰۱

براساس نتایج به دست آمده، میان سطح منطقهٔ سکونت زنان مورد پژوهش و میزان بزه‌دیدگی آن‌ها در بیشتر جرایم رابطهٔ معکوس وجود دارد؛ این بدین معناست که هرچه منطقهٔ سکونت زنان پایین‌تر رود و زنان در مناطق نامناسب‌تری زندگی کنند، بزه‌دیدگی بیشتری را تجربه خواهند کرد. این نتایج به کمک تئوری سبک زندگی قابل تأیید است، زیرا مطابق با این نظریه، پیوندی میان بزه‌دیدگی اشخاص و شیوهٔ زندگی آن‌ها وجود دارد. در نتیجهٔ امر، زندگی در محلات حاشیه‌ای شهر، که اغلب محیط‌های پررفت‌وآمد و جرم‌خیزی هستند، آمار قربانی شدن زنان را بالا می‌برد؛ همچنان که مطابق با یافته‌های مربوط به آزمون این فرضیه نیز مشخص شد در اکثریت جرایم با سطح معناداری ۰/۰۰۰ به غیر از دو مورد، ارتباط معکوس و قوی وجود دارد.

جدول ۸. بررسی رابطهٔ میان وضعیت خانوادگی و میزان بزه‌دیدگی زنان

وضعیت خانواده		جرایم علیه اموال	وضعیت خانواده		جرایم علیه اشخاص
ایرانی	افغانی		ایرانی	افغانی	
۰/۰۱۹	۰/۰۸۶	کیف‌قاپی	۰/۰۹۴	۰/۱۳۶	مزاحمت خیابانی
۰/۱۲۲	۰/۱۹۳	جیب‌بری	۰/۰۴۸	۰/۱۰۴	مورد دست‌درازی
*۰/۰۲۳	۰/۰۱۴	زورگیری	۰/۰۱۳	۰/۱۱	تجاوز جنسی
۰/۰۲۱۲	*۰/۰۱	ندادن نفقه	۰/۱۳۴	**۰/۳۰۴	کنتک خوردن
۰/۱۰۹	۰/۰۳۴	سرقت از منزل	۰/۰۲۳	۰/۰۹۷	ربوده شدن
۰/۰۰۸	۰/۱۰۶	سرقت وسیلهٔ نقلیه	۰/۰۰۷	۰/۱۵۴	فحاشی و توهین
۰/۰۶۵	۰/۱۴۹	سرقت از وسایل اتومبیل	*۰/۲۱۸	۰/۰۴۲	آزارهای جسمی و روانی همسر
۰/۱۳	۰/۰۷۷	کلاهبرداری	۰/۱۲۷	۰/۱۶۵	استفاده برای حمل یا فروش مواد مخدر
-	-	-	۰/۰۱۳	**۰/۲۷۱	به کارگیری اجباری در مشاغل غیرقانونی

\*معناداری در سطح ۰/۰۵ \*معناداری در سطح ۰/۰۱

مطابق با نتایج به دست آمده، میان وضعیت نابسامان خانوادگی با بزه‌دیدگی زنان در اکثریت جرایم رابطه مستقیم وجود دارد؛ که با افزایش نابسامانی خانواده، میزان بزه‌دیدگی آن‌ها در سطوح مختلف افزایش می‌یابد. در نتیجه امر، این فرضیه که زنانی با خانواده نابسامان و از هم‌پاشیده، بزه‌دیدگی بیشتری را تجربه می‌کنند، تأیید شد. شایان ذکر است که وجود نابسامانی‌هایی نظیر طلاق، متارکه، تک‌والدی، اعتیاد و... در خانواده زنان سبب می‌شود آن‌ها از یک سو جامعه‌پذیری مناسبی نداشته باشند و به همین دلیل بیش از دیگران در معرض خطر قرار بگیرند و از سوی دیگر، خود خانواده بستر و زمینه وقوع جرایمی نظیر همسرآزاری، خشونت، ضرب‌وشتم و... را برای آن‌ها ایجاد کند. در نتیجه امر، یافته‌های حاصل از این قسمت به وسیله تئوری سبک زندگی تأیید می‌شود.

جدول ۹. بررسی رابطه میان وضعیت اقتصادی و میزان بزه‌دیدگی زنان

سطح اقتصادی خانواده		جرایم علیه اموال	سطح اقتصادی خانواده		جرایم علیه اشخاص
میانگین	میانگین افغانی		میانگین	میانگین افغانی	
۰/۱۱۱	۰/۱۶۷	کیف‌قاپی	۰/۱۲	۰/۰۵۲	مزاحمت خیابانی
۰/۰۲۹	-۰/۰۰۵	جیب‌بری	۰/۰۸	۰/۰۳	مورد دست‌درازی
۰/۰۰۵	*۰/۲۱۷	زورگیری	*-۰/۲۴۰	-۰/۱۰۱	تجاوز جنسی
-۰/۱۴۵	-۰/۱۷۱	ندادن نفقه	-۰/۱۵۲	-۰/۰۸۱	کتک‌خوردن
۰/۰۴۵	۰/۰۱	سرقت از منزل	۰/۰۱۴	۰/۰۶۱	ربوده‌شدن
۰/۰۳۶	۰/۰۷۵	سرقت وسیله نقلیه	-۰/۰۶۷	*-۰/۲۳۰	فحاشی و توهین
۰/۰۷۳	۰/۰۵۷	سرقت از وسایل اتومبیل	*-۰/۲۱۹	*-۰/۲۲۷	آزارهای جسمی و روانی همسر
۰/۰۲۸	**۰/۲۶۹	کلاهبرداری	-۰/۱۶۹	-۰/۱۰۵	استفاده برای حمل مواد مخدر
-	-	-	*-۰/۲۴۰	-۰/۰۳۲	به‌کارگیری اجباری در مشاغل غیرقانونی

\* معناداری در سطح ۰/۰۵ \* معناداری در سطح ۰/۰۱

بر اساس نتایج به دست آمده میان سطح اقتصادی زنان و میزان بزه‌دیدگی آن‌ها، در برخی جرایم علیه اشخاص رابطه معکوس و در برخی جرایم علیه اموال رابطه مستقیم وجود دارد. شایان ذکر است که این نتیجه را می‌توان به وسیله تئوری فعالیت روزمره، که مطابق با آن بزه‌دیدگی افراد با خصوصیات زندگی آن‌ها در ارتباط است، تأیید کرد، زیرا در این پژوهش غالب زنانی که از فقر اقتصادی در رنج بودند برای گذران زندگی خود ناگزیر از اشتغال نامناسب نظیر دست‌فروشی بودند که این خود زمینه مساعدتری را برای افزایش وقوع جرایم مختلف علیه آن‌ها فراهم می‌کرد.

## بحث و نتیجه‌گیری

دوام زندگی فردی و اجتماعی هر انسانی به این وابسته است که محیط پیرامون وی از هر رفتار مخاطره‌آمیزی خالی باشد. حال آنکه این واقعیت انکارناپذیر وجود دارد که هر انسانی در طول زندگی خود ممکن است در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار گیرد و به حقوق، امنیت و آزادی‌اش خلل وارد آید. شایان ذکر است که هر فرد در طول حیاتش به نوعی بزه‌دیده بالقوه محسوب می‌شود که شاید بنا به دلایلی به بالفعل تبدیل شود. در مورد زنان این احتمال وجود دارد که به دلیل ویژگی‌های جنسیتی‌شان و همچنین به دلیل ضعف جسمانی و دفاعی بعضاً بیشتر در معرض جرایم قرار گیرند. مهاجرت نیز ممکن است افراد مهاجر را بیش از افراد غیرمهاجر در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دهد. با وجود اینکه قانون‌گذاران و دولت‌ها در حمایت و حفظ امنیت اتباع بیگانه و مهاجران در کشورهای مختلف همه سعی خود را می‌کنند، آن‌ها باز هم به عللی قربانی جرایم مختلف می‌شوند، زیرا زنان مهاجر اغلب در کشورهای بیگانه به دلیل تفاوت‌های فرهنگی اوضاع بسامانی نداشته‌اند و گاهی شرایط نامساعد محل سکونت، اوضاع فردی و خانوادگی آن‌ها و... به آسیب‌پذیری بیشترشان دامن می‌زند.

محققان در پژوهش حاضر سعی داشتند وضعیت بزه‌دیدگی زنان مهاجر افغان در مشهد را به‌عنوان گروه آزمایش بررسی و نتایج آن را با میزان بزه‌دیدگی زنان ایرانی ساکن در مشهد مقایسه کنند تا این موضوع تحلیل شود که آیا در شرایط فردی، محیطی و اقتصادی یکسان باز هم مهاجر بودن خود عاملی بزه‌دیده‌زا است؟ درنهایت امر، این نتیجه حاصل شد که زنان افغانی و ایرانی ساکن مشهد آماج همه جرایم قرار می‌گیرند. یافته‌ها بیانگر آن بود که زنان از میان موارد مختلف بزه‌دیدگی بیشتر از همه قربانی یکی از انواع مزاحمت‌های خیابانی، توهین و فحاشی، تعرض جنسی و خشونت همسران هستند و این موارد از جرایم پربسامد علیه زنان هر دو گروه است؛ درحالی‌که حسب مورد زنان افغان در غالب جرایم علیه اشخاص نظیر انواع مزاحمت‌های خیابانی، تعرض جسمی و جنسی، خشونت همسران به دلیل عامل جنسیت و ضعف جسمانی و دفاعی خود و همچنین به دلیل مهاجر بودن نیز در جرم توهین و فحاشی به نسبت زنان گروه کنترل بزه‌های بیشتری را متحمل شده‌اند. همچنین، درصد بزه‌دیدگی آن‌ها در جرایم علیه اموال نظیر کیف‌قاپی، عدم انفاق بیشتر از درصد جرایم علیه زنان گروه کنترل بود.

درنهایت، مشخص شد که زنان گروه کنترل در جرایم مختلف آمار بزه‌دیدگی کمتری داشته‌اند. شایان ذکر است که این تفاوت‌ها گویای آن است که زنان مهاجر افغان در شرایط محیطی، اجتماعی و اقتصادی یکسان با زنان ایرانی ساکن در مشهد، از سطح امنیتی پایین‌تری برخوردارند که این خود بیانگر اثرگذاری عامل مهاجرت و سایر عوامل شخصی است.

همچنین، یافته‌های پژوهش بیانگر آن بود که به غیر از عامل جنسیت و مهاجر بودن، علل دیگری نیز از قبیل اوضاع فردی، اقتصادی، خانوادگی و محیطی در قربانی شدن زنان اثرگذار است.

در نتیجه، مشخص شد که میان سطح اقتصادی و منطقه محل سکونت زنان مورد پژوهش با میزان بزه‌دیدگی آن‌ها در برخی جرایم علیه اشخاص ارتباط معکوس و در برخی جرایم علیه اموال ارتباط مستقیم وجود دارد. همچنین، زنانی هم که فقیر بودند و در مناطق پایین شهر و حومه سکونت داشتند موارد بیشتری از جرایم را تجربه کرده‌اند. همچنین، مشخص شد اشتغال زنان شاغل، به‌ویژه در بخش خصوصی، آسیب‌زا بوده است و آن‌ها را در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار می‌دهد. میان سن، تحصیلات و حجاب زنان با میزان بزه‌دیدگی آن‌ها در جرایم علیه اشخاص ارتباط معکوس یافت شد و نتایج بیانگر این مهم بود که زنان کم‌حجاب و بدپوش، ناآگاه و جوان موارد بزه‌دیدگی بیشتری را در جرایم علیه اشخاص نسبت به دیگران اعلام داشتند. همچنین، با توجه به اینکه محققان در این پژوهش شخصاً به تکمیل پرسش‌نامه‌ها اقدام می‌کردند، علاوه بر مشاهده وضعیت زنان و استماع اظهارات آنان، با مقایسه وضعیت اعلام‌شده بزه‌دیدگی زنان مورد پژوهش در دو گروه خانواده نابسامان و بسامان، به این مهم دست یافتند که در کنار سایر علل، زنانی نیز که به نوعی نابسامانی در خانواده داشتند بزه‌دیدگی بیشتری را، چه درون خانواده و چه در محیط بیرون، تجربه کرده‌اند. شایان ذکر است که تاکنون پژوهش‌های مستقیمی که کمابیش مرتبط با این موضوع باشد کار نشده است که بتوان یافته‌های این پژوهش را با آن‌ها مقایسه کرد. حال آنکه با توجه به یافته‌های محققان در این پژوهش، می‌توان بیان داشت که زنان در هر دو گروه کنترل و آزمایش از لحاظ سطح امنیت وضعیت مناسبی ندارند. در نتیجه، با توجه به نقش اساسی و اثرگذار زنان در جامعه، حفظ امنیت آن‌ها در هر دو گروه بررسی شده جزء ضروریات اجتماعی محسوب می‌شود و به برنامه‌ریزی و ارائه راهکارهای مؤثر نیاز دارد.

### پیشنهادها

بزه‌دیدگی زنان در مشهد، به‌خصوص زنان مهاجر افغان، واقعیت تلخی است که پیش‌گیری یا به حداقل رسانیدن یا متوقف کردن آن به ارائه راهکارهای پیش‌گیری و حمایتی نیاز دارد. محققان به همین منظور دو دسته پیشنهادها را در قالب آموزشی و کاربردی در راستای جلوگیری از وقوع انواع مختلف بزه‌دیدگی زنان در هر دو گروه و کاهش جرایم علیه آن‌ها و پایین‌آوردن رقم سیاه بزه‌دیدگی ارائه داده است:

**پیشنهادهای آموزشی:** مطابق با یافته‌های پژوهش، عده‌ای از زنان به‌دلیل ناآگاهی و کم‌اطلاعی در ورطه بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند. بر این اساس، ارتقای سطح آگاهی و معلومات زنان از طریق سوادآموزی، فرهنگ‌سازی و آموزش مهارت‌های رفتاری به آن‌ها درباره موقعیت‌های پرخطر و نحوه قربانی شدن زنان و همچنین آگاهی‌دادن به آن‌ها درباره حقوق و وظایف شرعی و قانونی‌شان و برگزاری کلاس‌های آموزش مهارت‌های زندگی و دفاع شخصی بسیار کارساز است، زیرا هرچه سطح آگاهی زنان بالا برود، اعمال اقدامات مجرمان سخت‌تر می‌شود.



علاوه بر این، مطابق با نتایج به‌دست‌آمده، وضعیت حجاب بانوان در کاهش یا افزایش بزه‌دیدگی آن‌ها اهمیت بسزایی دارد، زیرا بدپوشی و بدحجابی خود از علت‌های مؤثر در شیوع جرایمی همچون مزاحمت خیابانی، کیف‌قاپی و جیب‌بری است. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود برای گسترش حجاب و ترویج ارزش‌های دینی برنامه‌ریزی‌های اجتماعی به منظور انجام‌دادن تبلیغات بیشتر برای حفظ حجاب برتر، تلاش برای سوق‌دادن افراد جامعه به انتخاب پوشش برتر و... بر بزه‌دیدگان بالقوه انجام شود تا سببی برای پیش‌گیری یا کاهش بزه‌دیدگی زنان باشد.

بخشی از بزه‌دیدگی بانوان در این پژوهش مرتبط با خشونت‌های درون خانواده‌هاست. به همین دلیل، از نظر محققان ساماندهی خانواده‌ها، توانمندسازی آن‌ها، اجرای برنامه‌های آموزشی نظیر بیان فواید حسن معاشرت با تأکید بر نقش کاربردی زنان در خانواده، قبح ازدواج اجباری، خشونت در خانه و... در جهت افزایش سطح فرهنگ آن‌ها می‌تواند در پیش‌گیری و کاهش موارد بزه‌دیدگی زنان از این نوع کارساز باشد.

**پیشنهادهای کاربردی:** اصلاح مقررات قضایی کشور به‌منزله نخستین و مهم‌ترین راه‌حل می‌تواند در کاهش بزه‌دیدگی زنان مؤثر واقع شود، زیرا در قوانین موجود در ارتباط با برخی جرایم نظیر همسرآزاری و خشونت در خانواده با خلأ قانونی مواجهیم. همین عدم جرم‌انگاری در زمینه برخی جرایم، خود زمینه‌ساز شیوع قربانی‌شدن زنان است. در نتیجه، تصویب قوانین حمایتی بیشتر و جرم‌انگاری ویژه برخی رفتارهای خاص علیه زنان همراه با اتخاذ ضمانت‌اجراهای کارآمدتر و متنوع کیفری و غیرکیفری در جهت تأمین امنیت زنان، بسیار در پیش‌گیری یا کاهش این پدیده ناشایست می‌تواند اثرگذار باشد.

یکی دیگر از راه‌حلهایی که می‌تواند در این زمینه مؤثر واقع شود، تشدید مجازات مجرمانی است که به‌دنبال آماج کم‌خطر و کم‌هزینه هستند و زنان را هدف خود قرار داده‌اند، زیرا وقتی در قانون، مجازات سنگین برای این گروه در نظر گرفته شود و امتیازاتی نظیر اعطای مرخصی و آزادی مشروط و... برای آن‌ها استثنا شود، خود بسیار بازدارنده و مانعی برای مجرمان در انتخاب زنان به‌عنوان هدف است.

علاوه بر این، رسیدگی فوری به شکایت زنان و اجرای قطعی و یقینی مجازات این گروه از مجرمان و کاهش فاصله زمانی میان ارتکاب جرم و مجازات آن‌ها، یکی دیگر از پیشنهادهای کاربردی است که می‌تواند به‌منزله عاملی بازدارنده در پیش‌گیری از وقوع جرم، تکرار و درنهایت کاهش بزه‌دیدگی زنان بسیار اثرگذار باشد.

همچنین، بسیاری از مجرمان در جرایم علیه زنان با خاطر آسوده از شکایت‌نکردن آن‌ها و فارغ از ترس مجازات‌شدن به آسیب‌رساندن به زنان اقدام می‌کنند. بر این اساس، می‌توان با راهکارهای تشویقی نظیر جبران همه خسارات مادی و معنوی زنان بزه‌دیده در هر صورت و به

هر طریقی، آن‌ها را تشویق کنیم تا بزه‌دیدگی خود را از هر نوعی که باشد به نیروهای پلیس گزارش دهند تا مجرمان بدانند زنان در جامعه پذیرای حتی کوچک‌ترین اقدام بی‌شرمانه علیه‌شان نیستند و همین سبب می‌شود دیگر احساس آزادی عمل نداشته باشند.

همچنین، می‌توان با الزامی کردن تکلیف گزارش موارد بزه‌دیدگی با ضمانت اجرای کارآمدتر و مناسب‌تر، هم از طریق الزام عمومی و هم برای مددکاران اجتماعی نظیر پزشکان، پرستاران و مراجع صالح، موارد اعلام بزه‌دیدگی زنان به مراجع صالح را برای پیگیری‌های مؤثر بعدی بیشتر کنیم.

علاوه بر این، در راستای کاهش آمار بزه‌دیدگی زنان، نیروی انتظامی به‌عنوان متولی برقراری نظم و امنیت می‌تواند با گسترش نظارت‌های رسمی خود در مناطق حاشیه و پایین شهر، به‌خصوص در کنترل اماکن مهاجرنشین، بسیار در کاهش جرایم علیه زنان تأثیرگذار باشد. همچنین، از سوی دیگر مسئولان به مناطق محروم توجه بیشتری را مبذول دارند و بودجه لازم و کافی را برای انجام‌دادن طرح‌هایی نظیر ساخت فرهنگ‌سراها و بهسازی آن مناطق اختصاص دهند.

برای پیش‌گیری از بزه‌دیدگی مکرر زنان یا جلوگیری از جرم‌زایی و تبدیل شدن زنان بزه‌دیده به بزه‌کار، که گاهی در مواردی به‌دلیل قربانی شدن احساس خصم و انتقام‌گیری دارند، اماکنی ایجاد شود تا از زنان بزه‌دیده یا در معرض خطر حمایت کند، خدمات مشاوره‌ای ارائه دهد، خسارات روحی آن‌ها را تأمین کند و حالت روانی و عاطفی‌شان را به شرایط قبل از جرم برگرداند؛ که در این راستا تخصیص بودجه از سوی دولت برای تأمین خسارات جبران‌نشده آن‌ها بسیار مؤثر است.

ایجاد امکانات حمایتی و نگهداری از زنان مهاجری بی‌سرپرست و بدون حامی و همچنین فراهم کردن فرصت‌های شغلی و تحصیلی متناسب با نیازهای آن‌ها راهکار پیش‌گیرانه دیگری است تا آن‌ها مجبور نباشند به‌دلیل نداشتن سرپناه و تأمین مخارج زندگی خود به کارهای خلاف قانون و اشتغال نامناسب، که خود زمینه‌ساز و یکی از علل بزه‌دیدگی آن‌ها محسوب می‌شود، روی آورند.

## منابع

- [۱] حیدری چروده، مجید؛ فروغ‌زاده، سیمین (۱۳۹۲). راهنمای کاربردی نرم‌افزار SPSS با تأکید بر روش تحقیق و آمار، تهران: جامعه‌شناسان، چ ۲.
- [۲] خراطها، سعید (۱۳۸۳). روسپی‌گری در محله غربت، مجموعه مقالات آسیب‌های اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران: آگه.
- [۳] رایجیان اصل، مهرداد (۱۳۸۴). بزه‌دیدگی‌شناسی حمایتی، تهران: دادگستر.

- [۴] زارع مهرجویی، مرضیه؛ بیری، شیرین (۱۳۸۰). «مهاجرت و حاشیه‌نشینی»، نشریه اصلاح و تربیت.
- [۵] زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). مهاجرت، تهران: سمت.
- [۶] زینالی، حمزه (۱۳۸۳). «اثرات فقدان حمایت کیفری مناسب از زنان بر بزه‌دیدگی آن‌ها»، فصل‌نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، س ۳، ش ۱۳.
- [۷] سجادی‌پور، فرزانه (بی‌تا). مقاله «تنش‌های اجتماعی زنان افغان در ایران»، بازیابی از: <http://www.anthropology.ir/node/25543>
- [۸] صاحبی، مرضیه (۱۳۹۳). مقاله مهاجرت افغان‌ها برای همسایه دردساز شد. بازیابی از: <http://www.parastomohajer.com/refugee/irpolis/3848-shhrhae-mmmvah-v-mjaz-brae-aghant-v-thsel-atbaa.html>
- [۹] صادقی فسائی، سهیلا؛ میرحسینی، زهرا (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مؤثر بر بزه‌دیدگی زنان شهر تهران»، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، ش اول، ص ۳۸.
- [۱۰] صالحی‌امیری، رضا؛ خدائی، زهرا (۱۳۹۰). حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی: چالش‌ها و پیامدها، تهران: ققنوس.
- [۱۱] عبدالملکی، رضا؛ آسیائی، مهدی؛ بشروئی شرق، سروش (۱۳۹۰). مهاجرت و مخاطرات محیطی، مشهد: سخن‌گستر.
- [۱۲] غلامیان حسین‌آبادی، سمیه (۱۳۸۹). چالش‌های امنیت اجتماعی ناشی از ورود مهاجرین افغان، مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش ملی مهاجرت- نظم و امنیت، ج ۵، گردآورنده دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، مشهد: روشن.
- [۱۳] کار، مهرانگیز (۱۳۸۰). پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران، تهران: روشنگران مطالعات زنان، چ ۲.
- [۱۴] کوهی، محمدرضا (۱۳۸۵). آسیب‌شناسی شخصیت و محبوبیت زن، قم: اتقان.
- [۱۵] مرکز آمار ایران (۱۳۸۸). سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، تهران: دفتر ریاست، امور بین‌الملل و روابط عمومی.
- [۱۶] مظفری‌زاده، سجاد (۱۳۹۱). ترمینولوژی جرم‌شناسی، تهران: بهینه فراگیر.
- [۱۷] نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۹۳). «جنسیت و بزه‌دیدگی، بردفورد»، ترجمه افراسیابی، دانش‌نامه بزه‌دیدگی‌شناسی و پیش‌گیری از جرم، به کوشش مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیش‌گیری ناجا، تهران: میزان.
- [۱۸] \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴). «تقریرات درس جرم‌شناسی: بزه‌دیدگی‌شناسی»، تنظیم فاطمه قناد، دوره کارشناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- [۱۹] معتمدی‌مهر، مهدی (۱۳۸۰). حمایت از زنان در برابر خشونت، تهران: برگ زیتون.

- [۲۰] ناصری پشت‌دربندی، شهاب‌الدین (۱۳۹۱). مقاله «بزه‌دیده و انواع آن در سیاست جنایی ایران»، بازیابی از: <http://www.daneshju.ir/forum/sitemap/t-171407.html>
- [۲۱] نورمحمدی، معصومه (۱۳۹۰). *سیاست جنایی افغانستان در قبال زنان بزه‌دیده*. در پرتو اسناد بین‌الملل، تهران: میزان.
- [۲۲] هدایت، محمود (۱۳۶۹). *اثرات مهاجرت‌های خارجی در ایران*، تهران: دفتر جمعیت و نیروی انسانی سازمان برنامه و بودجه.

